

بررسی مستندات راه‌های انس بیشتر دانشجویان با قرآن

بهروز یدالله‌پور*

چکیده

در گفتمان قرآنی، مهم‌ترین موانع، انس با قرآن عبارت‌اند از: خودبینی، دنیادوستی، عقاید باطل، جمود بر اقوال مفسرین، گناهان و شیطان. عدم تسلط کافی بر زبان عربی، فقدان انگیزه کافی در انس با قرآن، احساس جدایی از فضای معنوی، عدم دسترسی به اساتید شایسته، تبلیغات گسترده دشمنان علیه کارآمدی قرآن، گناه آلود بودن محیط و عدم ارائه راهکاری دقیق، مبتنی بر احساس خوشبختی برگرفته از آیات قرآن، از موانع پیش‌روی دانشجویان است. راهکار تقویت انس با قرآن را می‌توان در سه حوزه قلب، عقل و رفتار بررسی کرد. جهت تقویت نگرش و گرایش دانشجویان به قرآن زمینه‌سازی مناسب برای تلاوت، تدبر و درک مفاهیم قرآن ضروری است.

واژگان کلیدی

انس با قرآن، راهکارها، موانع، دانشجویان، قرآن، باطن، ظاهر.

behroz78@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۴

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بابل.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۴

مقدمه

قرآن مجید تجلی خداوند سبحان بر انسان کامل است که هرکسی توان فهم باطن و حقایق آن را نداشته، برخی به بهره‌مندی از ظاهر این کتاب حیات‌بخش بسنده کرده، بدان مغرور شده و به بیراهه رفته‌اند؛ غافل از اینکه با طهارت باطن و تدبر در قرآن مجید می‌توان به سرچشمه حق و حقیقت راه یافت. نوشتار حاضر در پی ارائه راهکاری است تا دانشجوی مسلمان - به‌عنوان سالک الی الله - با گذر از ظاهر، راه به باطن و حقایق قرآن برده، به سرمنزل مقصود دست یابد.

اگرچه، جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام کسی قادر به فهم حقیقت قرآن نیست، انس با قرآن برای همگان امکان‌پذیر است؛ و برخی از بزرگان، انس به ظاهر قرآن و تلاوت آن را حتی بدون معرفت، گوشزد کرده، زمینه‌ای برای رسیدن به مقام درک حقیقت‌های قرآنی می‌شمرند. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۶) از این‌روی، شناخت موانع و راه‌های انس جوانان به‌ویژه دانشجویان با قرآن ضروری است.

الف) مراتب انس با قرآن

یک. انس با ظاهر قرآن

«انس الانسان بالشيء إذا لم يستوحش منه» انس در لغت، معنایی مقابل وحشت دارد. (ابن فارس، ۱۴۱۸: ۱ / ۷۶) انس انسان به چیزی بدین معناست که از آن چیز وحشت و اضطرابی ندارد و همراه با آن به آرامش می‌رسد. (لویس معلوف، ۱۳۶۶: ۱۹)

قرآن کریم به‌منزله کلام حضرت حق، از عظمت بی‌کرانی بهره دارد که توان درک معارف بلند آن و راه یافتن به باطن آن، برای همه یکسان نیست. نوع نگاه مراجعان به قرآن کریم متناسب با آگاهی و معرفتشان متفاوت است؛ برخی تنها به تلاوت و بهره‌مندی از پاداش اخروی چشم دوخته‌اند و برخی درصدد دستیابی به معارف حیات‌بخش و زندگی‌ساز، و طهارت روح و راهیابی به حقایق و باطن ژرف آن‌اند. از این‌رو، مراتب انس با ظاهر قرآن به اجمال عبارت‌اند از:

۱. استماع قرآن: گوش دادن به آیات نورانی قرآن مجید همراه با توجه و دقت در معانی آن، یکی از مراحل انس با ظاهر آیات است. قرآن کریم مؤمنان را به گوش دادن به آیات قرآن هنگام تلاوت آن و بهره‌مندی از آن سفارش می‌کند. «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (اعراف / ۲۰۴) بشر امروز انس با موسیقی را از راه استماع آن چنان پذیرفته است که راه‌های مختلف آرام‌بخشی آن را ارائه کرده و می‌توان در جامعه بسیاری از جوانان را مشاهده کرد که با همراه شدن با این فضا از این کار لذت می‌برند؛ اما ما راهکاری برای انس بیشتر جوانان با قرآن، از راه استماع آیات الهی ارائه نکرده‌ایم.

۲. تلاوت قرآن: مداومت در تلاوت قرآن موجب انس با آن، ایجاد منش قرآنی و شخصیت دینی می‌شود. هدف از تربیت اخلاقی، دستیابی متربی به رفتار اخلاقی، یعنی عمل به آن است. مداومت و تکرار تجربه عملی، مشابه ملکات اخلاقی در حوزه اخلاق به صورت «برون‌سازی» ساخت‌های روانی جدید شکل می‌گیرد. (آذربایجانی و دیلمی، ۱۳۸۲: ۲۰۳)

تأکید روایات بر تلاوت روزانه بیش از ده آیه (کلینی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۲۱) یا اهتمام بسیاری از بزرگان بر تلاوت یک جزء یا بیشتر از قرآن، بیانگر تأثیر تلاوت بر شخصیت انسان است؛ و به تعبیر امام خمینی علیه السلام، قرائت قرآن؛ حتی بدون معرفت هم مؤثر است: «فرزندم به قرآن، این کتاب معرفت آشنا شو! اگرچه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است». (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۶)

ایشان در بیانی دیگر انس با ظاهر قرآن را موجب استقرار صورت قرآن در قلب دانسته‌اند:

کسی که خود را عادت داد به قرائت آیات و اسمای الهیه، از کتاب تکوین و تدوین الهی، کم‌کم قلب او صورت ذکری و آیه‌ای به خود می‌گیرد و باطن ذات محقق به ذکر الله و اسم الله و آیت الله شود. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۱۶)

و نیز بر مداومت بر تلاوت قرآن با حزن و اندوه و صوتی نیکو و دلنشین سفارش شده است؛ زیرا «انسان که می‌خواهد کلام خدا را قرائت کند و به آیات الهیه، قلب قاسی خود را مداوا کند و با کلام جامع الهی شفای امراض قلبیه خود را بگیرد ...، باید اسباب ظاهریه و باطنی آن را فراهم کند، در احادیث شریفه وارد شده است که قرآن را با حزن بخوانید و با

صورت نیکو تلاوت کنید». (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۵۰۰) برخی اندیشمندان از مجموع روایات و آیات، آدابی را برای تلاوت قرآن تدوین کرده‌اند که در انس با ظاهر آن، و آگاهی و عمل به دستورهای آن بسیار مناسب است. (شجاعی، ۱۳۸۸: ۳ / ۱۱۰ - ۱۰۷)

در قرآن کریم و روایات پیشوایان بارها به تلاوت آیات سفارش شده است، از جمله: «أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا». (مزل / ۴) «... فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...». (مزل / ۲۰)^۱

۱. امام علی علیه السلام: «هرکس به تلاوت قرآن انس گیرد، جدایی از برادران ایمانی و دوستان، او را دل‌تنگ نسازد». (آمدی، بی‌تا: ۱۱۲)

امام سجاد علیه السلام: «اگر همه انسان‌هایی که بین مشرق و مغرب‌اند بمیرند چون قرآن با من باشد، اضطراب و وحشتی نخواهم داشت». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶ / ۱۰۷)

امام علی علیه السلام: «اگر به دنبال مونس می‌گردید، قرآن برایتان کافی است». (الشعیری، ۱۴۱۴: ۵۱۱، ح ۱۴۳۱)

امام صادق علیه السلام: «به دنبال مونس بودم که در پناه آن، آرامشی پیدا کنم آن را در قرائت قرآن یافتم». (محدث نوری، ۱۴۰۴: ۱۲ / ۱۷۴)

امام علی علیه السلام: «تفقهوا فی القرآن فإِنَّه ربيع القلوب؛ در قرآن اندیشه کنید! زیرا آن بهار دل‌هاست». (صبحی صالح، بی‌تا: خ ۱۱۰، ۱۶۴)

امام علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران: «چون شب شود (برای نماز) بر پا ایستاده آیات قرآن را با تأمل و اندیشه می‌خوانند و با خواندن و تدبیر در آن خود را اندوهگین می‌سازند و به وسیله آن به درمان درد خویش کوشش دارند (از خواندن و عمل به قرآن چاره‌رهایی از عذاب و سختی رستخیز را می‌جویند) پس هرگاه به آیه‌ای برخوردند که به شوق آورده و امیدواری در آن است (پاداش نیکوکاری را بیان می‌کند) به آن طمع می‌نمایند و با شوق به آن نظر می‌کنند؛ مانند آنکه پاداشی که آیه از آن خبر می‌دهد در برابر چشم ایشان است و آن را می‌بینند؛ و هرگاه به آیه‌ای برخوردند که در آن ترس و بیم است (از کیفر بدکاری سخن می‌گوید) گوش دلشان را به آن می‌گشایند چنان‌که گویا شیون و فریاد اهل دوزخ در بیخ گوش‌هایشان است...». (همان: خ ۱۹۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «اگر در خانه‌ای قرآن تلاوت شود، نور به جای ظلمت می‌نشیند و خیر زیاد می‌شود و توسعه برای اهل خانه حاصل می‌شود و همان‌گونه که ستاره‌های آسمان، زمین را روشن می‌کنند خانه‌ای که در آن قرآن تلاوت می‌شود برای اهل آسمان نورانی جلوه می‌کند». (کلینی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۱۶)

امام صادق علیه السلام: «اگر کسی حرفی از کتاب خدا را فقط گوش کند و تلاوت هم نکند خداوند برایش حسنه می‌نویسد و گناهی از او محو نموده، درجه اش را بالا می‌برد». (همان: ۴۲۲)

دو. انس با باطن قرآن

۱. فهم معارف و راهیابی به تفسیر قرآن: شاید بسیاری از دانشجویان و جوانان، به شوق فهم معارف بلند قرآنی و به‌کارگیری آن در زندگی، به قرآن کریم مراجعه می‌نمایند. بهره‌مندی از تفسیر آیات و شناخت مفاهیم و پیام‌های آن، نیازمند آگاهی به زبان عربی، مباحث علوم قرآنی، اسباب نزول، روایات تفسیری، تلاوت مداوم و فراوان، آشنایی با ادبیات حاکم بر آیات و مراجعه به تفاسیر است، که دستیابی به آن برای عموم دانشجویان امکان‌پذیر نیست، اما برای مشتاقان راهی هموار خواهد بود.

۲. تدبیر در آیات: تدبیر در آیات قرآن کریم، بالاترین و عمیق‌ترین مرتبه در مراتب انس با قرآن بشمار می‌رود. در این رتبه، انسان از لایه‌های ظاهری آیات به باطن و ژرفای آیات راه خواهد یافت؛ از این رو، برای رسیدن به ژرفای آیات، برقراری پیوند عمیق میان قلب و عقل همراه با طهارت روح ضروری بوده، در نزول آیات، همین مرتبه از مؤمنان خواسته شده است. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد / ۲۴) و «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ». (ص / ۲۹)

ب) موانع انس با قرآن

اضطراب و نگرانی نسبت به آینده مبهم و تاریک، دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های فراوانی برای جوانان پدید می‌آورد. گرفتاری‌های شغلی و اجتماعی، مسائل عاطفی و ترس از شکست‌ها و ناکامی‌ها، از جمله مسائل فراروی جوانان‌اند. گاهی نیز گذشته تاریک زندگی، فکر و اندیشه جوان را به خود مشغول کرده، موجب تشدید نگرانی او می‌شود و انگیزه لازم برای اداره زندگی پاک و آرام، و با پشتوانه‌ای محکم را از بین می‌برد. نگرانی از گناهان، لغزش‌ها و کاستی‌های احتمالی، لحظه‌ای او را رها نکرده، تعادل روحی او را به هم می‌زند. دعوت به آلودگی‌ها و ارتکاب گناهان و دغدغه ناکامی در رسیدن به راه درست بندگی و ناامیدی و وسوسه‌های شیطان نیز، از دیگر زمینه‌های تشدید نگرانی است. قرآن در این سیاهی‌ها و تباهی‌ها، نور امید و آرامش را بر جان جوانان می‌تاباند و انس با آن می‌تواند راه برون‌رفت از آلودگی‌ها باشد.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که عالمان اخلاق بر آن تأکید کرده، و توجه به آن را تذکر داده‌اند، از میان برداشتن حجاب‌های نورانی و ظلمانی در راه رسیدن به کمال حقیقی، و پیراستگی نفس و زدودن زنگارها و غبارها از ساحت جان، نخستین شرط از شروط خودسازی است. نمی‌توان با آلودگی‌های ویرانگر روح و روان، جلوه کمالات شد. عارفان نیز، برای سالکان الی الله شرط طهارت و پیراستگی از همه بدی‌ها، زشتی‌ها و پلیدی‌ها در اعمال، گفتار و اندیشه را لازم دانسته‌اند؛ زیرا «لا یمسه إلا المطهرون»؛ و فقط پاکیزگان از هر بدی، بدان حریم بار می‌یابند و آنان که حجاب‌ها بر خود تنیده‌اند از دیدن حقیقت محروم‌اند. در این مجال به موانع انس با ظاهر و باطن قرآن می‌پردازیم.

موانع انس با ظاهر قرآن

از آنجا که آشنایی دانشجویان، به‌عنوان جوانانی که پس از دوره‌ای تلاش و جدیت برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، با درس قرآن در دوره‌های قبل، به‌دلیل تشریفاتی و حاشیه‌ای بودن آن، ناچیز بوده، بیشتر خانواده‌ها نیز، تنها برای ورود فرزندان‌شان به مراکز دانشگاهی سرمایه‌گذاری می‌کنند، دانشجویان با موانع متعددی برای انس با قرآن مواجه‌اند که به اهم آن موارد به اجمال اشاره می‌نماییم:

۱. عدم تسلط کافی به زبان عربی

یکی از موارد انس با قرآن انس با ظاهر آن است که برای دستیابی به آن آشنایی و تسلط به زبان عربی، بسیار راهگشا و کارساز است. هدف از قرار دادن زبان عربی در دروس دانش‌آموزان، آشنایی آنان با زبان قرآن در جهت و فهم ابتدایی آیات است. اما روش تدریس زبان عربی و قرآن در مدارس، عمدتاً به بی‌رغبتی دانش‌آموزان و گریز آنان از این دروس انجامیده است. که بازنگری و ارائه راهکار مناسب مسئولان نظام آموزشی کشور برای ایجاد انگیزه و علاقه به این دروس، ضروری است.

عدم تسلط بر مفاهیم آیات به بی‌رغبتی به تلاوت آیات و عدم تدبر در آن می‌انجامد که از موانع جدی انس با قرآن است. پرسش‌های متعددی که دانشجویان در زمینه فهم آیات

مطرح می‌کنند نیز، گویای همین واقعیت است؛ پرسش‌هایی چون: آیا می‌توان به‌جای تلاوت و فهم آیات، تنها به خواندن ترجمه آنها بسنده کرد؟

۲. نبود انگیزه کافی در انس با قرآن

یکی دیگر از موانع انس با قرآن، عدم شناخت عظمت آن و کاربردی نبودن آموزه‌های ارائه‌شده از آن در زندگی است. جوانان و دانشجویان، با توجه به آرمان‌طلبی و نیازسنجی که مقتضای این دوران است، برای اموری که شناخت دقیقی از کاربرد و راهگشایی آن ندارند تلاش چندانی نمی‌کنند؛ به‌ویژه، زمانی که ریشه نگرانی‌های آزاردهنده جوانان و دانشجویان، احساس پوچی و بی‌هدفی و قرار گرفتن در معرض اندیشه‌های نیهیلیستی باشد که موجب سوءظن‌ها و توهمات بی‌اساس می‌شود. همچنین به‌دلیل وجود زمینه‌های بی‌انگیزگی در جامعه، برخی از این دانشجویان، انگیزه لازم و کافی برای انس با قرآن ندارند. اما آنان که با قرآن کریم انس می‌گیرند، حوادث روزگار را در راستای اهداف متعالی می‌بینند و در مواجهه با این رخدادها نه احساس پوچی می‌کنند و نه مانند افراد بی‌هدف، مردد و سرگردان‌اند؛ بلکه با تلاوت و شنیدن آیات قرآن کریم، آرامش می‌یابند و از زندگی لذت می‌برند.

۳. احساس جدایی از فضای معنوی

از موانع جدی انس دانشجویان با قرآن، احساس بیگانگی و جدایی از فضای معنوی و دینی است. اگرچه یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، وحدت حوزه و دانشگاه است، در این راه توفیق چندانی به‌دست نیامد و در ابتدای راه متوقف شد. این احساس که فضای دانشگاه فضای علوم زمینی و فضای حوزه‌ها فضای علوم آسمانی است، و بالتبع، دانشجویان افرادی متفاوت از طلاب علوم دینی‌اند و فضای دانشگاه، گناه آلود و غربی است، باعث ایجاد این باور در دانشجویان شده است که تافته‌ای جدابافته‌اند و زمینه لازم برای درک قرآن و انس با آن را ندارند. این تلقین ناصواب، خود، زمینه‌ای برای عدم مراجعه به قرآن ایجاد نموده است که فهم قرآن تنها برای حوزویان و برخی انسان‌های خاص است؛ از این‌رو، از آن فاصله می‌گیرند. وجود ذهنیتی که می‌توان در دانشگاه‌ها، هر کاری را انجام داد و محیطی آرام و دور از هر فشاری در رابطه با روابط

میان پسران و دختران است و آنچه را در بیرون از فضای دانشگاهی جرم قلمداد می‌شود در درون جامعه دانشگاهی، امری پسندیده، عادی، علمی و به روز بودن بشمار می‌رود، موجب شده است تا انس با قرآن کمتر رواج یابد و اگر کسی بخواهد بدان بپردازد شانس کمتری دارد. حضور گسترده آموزه‌های مکاتب بشری در دروس علوم انسانی و عدم ارائه معارف غنی قرآن به زبان امروز دانشگاه‌ها و عدم ممانعت از ترویج فرهنگ گناهکاری، که از طهارت درون می‌کاهد و بر زشتی‌های درونی می‌افزاید انس با قرآن را بر این قشر گسترده، ناممکن کرده است.

۴. تبلیغات گسترده دشمنان علیه کارآمدی قرآن

اسلام در طول تاریخ با مخالفان جدی‌ای از جمله یهودیان، مسیحیان و دیگر مکاتب بشری، مواجه بوده است که همه تلاش آنان بر ایجاد خدشه بر قرآن و ممانعت از رازگشایی آن از اسرار زندگی بوده است. محدود دانستن معارف و مفاهیم قرآن به زمان و مکان خاص و دخالت فرهنگ زمانه در آموزه‌های قرآنی از یک‌سو، و رواج کتاب‌های متعدد با محتوای غیردینی در جهت کامیابی و سعادت جوانان با استفاده از مکاتب بشری و ترجمه‌های زیبا، ادبیات خواندنی و سبک و سیاق داستانی، و حمله به مفاهیم قرآن با خلق داستان‌های تخیلی و ادبی، زمینه‌های روی‌گردانی از قرآن را فراهم کرده، موجب شد جوانان به سراپی در مقابل اقیانوسی از معارف حقه، بسنده نمایند، و برای گریز از تنهایی و دستیابی به آرامش، به نسخه‌های غیردینی و غیرمطمئن روی آورده، آن را مرهمی بر درد خویش قلمداد نمایند.

۵. عدم ارائه راهکار دقیق و مبتنی بر احساس خوشبختی از قرآن

امروزه دغدغه رسیدن به خوشبختی، در میان جوانان، با توجه به افزایش فشارهای اقتصادی و ارائه عرفان‌های کاذب برآمده از فرهنگ‌های شرقی و غربی، و رواج آرامش‌های حاصل از ورزش‌های یوگا، مدیتیشن و ...، لزوم ارائه راهکاری جدید و برآمده از روح دین را دو صد چندان نموده است. از این‌رو، عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان با طرحی جدید از اندیشه دینی مرتبط با مباحث تربیتی، می‌باید با پاسخ پرسش‌ها و رفع شبهات، تصویری از احساس آرامش، لذت و رضایت در میان جوانان و دانشجویان پدید آورند.

موانع انس با باطن قرآن

۱. خودبینی

یکی از موانع انس با قرآن، که عالمان دینی ضمن هشدار به جوانان و مؤمنان آن را یکی از دام‌های هولناک در مسیر سلوک می‌شمارند، حجاب خودبینی است. مولوی می‌گوید:

پند من بشنو که تن بند قوی است کهنه بیرون کن گرت میل نوی استت
لب ببند و کف پُر زر برگشا بخل تن بگذار پیش آور سخا
ترک شهوت‌ها و لذت‌ها سخاست هرکه در شهوت فرو شد برنخاست
(مولوی، ۱۳۷۵ / ابیات ۱۲۷۰)

بنابراین لازمه بهره‌مندی از فهم حقایق نورانی کلام الهی، از میان برداشتن بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین حجاب است که همان حجاب خودبینی است.

امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید:

مادامی که انسان در حجاب خود هست نمی‌تواند قرآن را که نور است و به حسب فرمایش خود قرآن نور است نور را کسانی که در حجاب هستند پشت حجاب‌های زیاد هستند نمی‌توانند ادراک کنند. گمان می‌کنند که می‌توانند لکن نمی‌توانند. تا انسان از حجاب بسیار ظلمانی خود، خارج نشود تا گرفتار هواهای نفسانی است تا گرفتار خودبینی‌هاست تا گرفتار چیزهایی است که در باطن نفس خود ایجاد کرده است از ظلماتی که «بعضها فوق بعض» است، لیاقت پیدا نمی‌کند انسان، که این نور الهی در قلب او منعکس بشود؛ کسانی که بخواهند قرآن را بفهمند و محتوای قرآن را ... و طوری باشد که هرچه قرائت کنند بالا بروند و هرچه قرائت کنند به مبدأ اعلیٰ نزدیک شوند، این نمی‌شود الا اینکه حجاب‌ها برداشته شود. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۴ / ۲۵۳)

۲. دنیادوستی

دوستی دنیا و غرق شدن در لذت‌های غیرمعنوی، دل را از توجه و انس با قرآن و بهره‌مند شدن از نعمت‌های معنوی و انوار الهی باز می‌دارد و تا زمانی که انسان تسلیم لذت‌های

زودگذر دنیاست از نور حق بی بهره و محروم است؛ درحالی که اگر محضر قرآن را درک نماید و انس با حقایق آن را بیابد، از همه لذت‌های مادی جدا شده، به سوی کمال مطلق حرکت خواهد کرد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «کَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ، كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ»؛ همان‌گونه که اجتماع خورشید و ماه محال است اجتماع دوستی خدا و دوستی دنیا محال است. (آمدی، بی تا: ۱۴۱)

در این مقام توجه به دو نکته دقیق و عمیق ضروری است: نکته نخست، توجه به تعریف دنیا در معارف الهی است که عبارت است از هر چیزی که انسان را از یاد خدا غافل و منقطع نماید که، خود، موجب حرمان در حیات اخروی است؛ ثانیاً؛ با توجه به روایات ائمه علیهم السلام، حب الله و حب دنیا قابل جمع نبوده، برای انس با قرآن، باید از توجه و دوستی دنیا پرهیز نمود و نمی‌توان با بال حب دنیا در ملکوت به پرواز درآمد.

۳. عقاید باطل

یکی دیگر از حجاب‌هایی که مانع رشد و شکوفایی انسان شده، او را از فهم باطن قرآن باز می‌دارد، محصور شدن انسان در قفس اندیشه‌های باطل و فاسد، و حمل آیات قرآن بر آرای شخصی، به جای حضور در محضر قرآن و بهره‌مندی از انوار تابناک آن است.

از آنجا که برخی آیات قرآن مجید، محکمت‌اند و پاره‌ای متشابهات، بیمارداران، آیات متشابه را براساس آرای باطل خویش تفسیر کرده، و جمعی نیز بدون اندیشه و فهم دقیق از آنان پیروی کرده‌اند. دکتر ذهبی، اجتناب از تفسیر بر مبنای مذهب فاسد را بر مفسر واجب شمرده، تلاش انسان در سازگار نمودن آیات قرآن بر آرای مذهبی خویش و استفاده از تأویل‌های عجیب و هر روش ممکن را امری نادرست دانسته است. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۱ / ۲۳۷)

۴. جمود بر اقوال مفسرین

یکی از عیوبی که بر بسیاری از تفاسیر قرآن سایه افکنده، عیب تقلید و پیروی از آراء، اندیشه‌ها و اقوال مفسران گذشته است. برخی با انقیاد به قول مفسران، بر صحت قول آن تفاسیر چنان بسط کلام داده‌اند که راه سخن جدید و فهم دیگری از قرآن و باطن آن را

می‌بندند. و اگر مفسری، سخن جدیدی از فهم آیات ارائه نماید، به باد اتهام گرفته شده، بدعت‌گذار در عالم تفسیر معرفی، یا به تخلف از شیوه تفسیری سلف صالح، متهم خواهد شد. از نگاهی دیگر، یکی از شاخصه‌های تفاسیر عرفانی، ناهماهنگی در تفسیر و تأویل آیات قرآنی است که ناشی از اختلاف ذوق‌هاست که در دریافت‌ها و تعبیرها مؤثر بوده است. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۸۲)

و میزان موفقیت در تأویل آیات، به مراتب استعداد و قابلیت ایشان برای دریافت فیض بستگی دارد؛ برخی نسبتاً، و برخی کاملاً موفق‌اند و برخی نیز، کاملاً ناموفق و گمراه‌اند. (همان: ۲ / ۳۶۸)

انسانی که جهت انس با باطن قرآن و رهیابی به فهم دقیق و عمیق آن در محضر قرآن حضور می‌یابد، باید از هر نوع پیش‌داوری و عقاید پیش‌ساخته بپرهیزد که هر نوع موضع‌گیری قبلی، خود، مانعی بزرگ در راه رسیدن به مقاصد قرآن کریم خواهد شد. افزون بر این، باید از تأویل‌های بی‌ضابطه و بی‌قید پرهیز کرد؛ چراکه بسیاری از تفاسیر عرفانی پای در بیراهه نهاده، تأویلات عجیب و حتی خلاف محکّمات قرآنی بیان نموده‌اند؛ از این‌رو، ابن‌صلاح، به کفر برخی از عالمانی که کتاب *حقائق التفسیر* ابو عبدالرحمن سلمی را تفسیر قرآن دانسته‌اند، حکم کرده است. (زرکشی، ۱۳۹۱: ۲ / ۱۷۰) که پرداختن بدان از حوصله این نوشتار بیرون است.

۵. گناهان و معاصی

ارتکاب گناه موجب ایجاد عیب و نقصان در نفس و تاریکی دل شده، اصرار بر آن بر این تاریکی می‌افزاید و موجب تغییر تدریجی حال درونی شخص خواهد شد و صفای باطن و بسیاری از امتیازات معنوی وی از دست خواهد رفت؛ به حدی که قلب حساسیت خود را نسبت به درک حقایق از دست می‌دهد و منشأ پیدایش بسیاری از گرفتاری‌ها می‌شود تا جایی که شخص در تشخیص حق از باطل ناتوان می‌شود؛ چراکه ادراک حقایق معنوی و انوار الهی نسبت مستقیم با آمادگی قلبی و قابلیت آن داشته، در صورت از دست رفتن قابلیت، دل قادر به درک حقایق معنوی نخواهد بود.

امام خمینی علیه السلام با بیان اینکه حجاب گناهان یکی از حجاب‌های بسیار مهم در فهم و درک باطن قرآن و انس با آن است می‌فرماید:

یکی دیگر از حجب که مانع از فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواعظ این کتاب آسمانی است حجاب معاصی و کدورات حاصله از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان است که قلب را حاجب شود از ادراک حقایق؛ و باید دانست که از برای هریک از اعمال صالحه یا سیئه چنانچه در عالم ملکوت صورتی است مناسب با آن در ملکوت نفس نیز، صورتی است که به واسطه آن در باطن ملکوت نفس یا نورانیت حاصل شود و قلب مطهر و منور گردد. در این صورت، نفس چون آینه صیقل صافی گردد که لایق تجلیات غیبیه و ظهور حقایق و معارف در آن شود و یا ملکوت نفس ظلمانی و پلید شود و در این صورت، قلب چون آینه زنگار زده و چرکین گردد که حصول معارف الهیه و حقایق غیبیه در آن عکس نیفکند و چون قلب در این صورت، کم‌کم تحت سلطه شیطان واقع شود. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۲۰۱)

در عرفان، علم حقیقی نه تنها از عمل جدا نیست، بلکه نتیجه و محصول عمل است. چشم‌پوشی از شهوات و لذات، مبارزه با هواهای نفسانی که در بیان نبوی «جهاد اکبر» نامیده شده است، رهاکردن جاه و مقام، گذشتن از نام و نشان، پرداختن به باطن برای احراز شایستگی، رسیدن و پیوستن به آستان حق و حقیقت، گام‌های اصلی سیر و سلوک‌اند. (معرفت، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۵۱)

۶. شیطان

یکی از موانع رشد حقیقی انسان و وصال وی به سوی معبود در سلوک الی الله و رسیدن به باطن قرآن، شیطان رجیم است که خداوند از بشر پیمان گرفت تا از او پیروی نمایند: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ (یس / ۶۰) ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست» این دشمنی شیطان با انسان به حدی است که سوگند یاد کرد تا انسان را برای همیشه گمراه و اغوا کند:

«قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ؛ (اعراف / ۱۶) گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای افریفتن [آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست]. و خدای سبحان به مؤمنان دستور داد تا گاه تلاوت آیات از شر این دشمن فریبکار به خدا پناه برند که در محضر خدای سبحان جایی برای شیطان نیست: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ (نحل / ۹۸) پس چون خواهی قرآن بخوانی از شر شیطان مطرود به خداوند پناه ببر».

علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

معنا این است که وقتی قرآن می‌خوانی از خدای تعالی بخواه، مادامی که مشغول خواندن هستی از اغوای شیطان رجیم پناهت دهد پس استعاذه‌ای که در این آیه (۹۸ سوره نحل) بدان امر شده حال و وظیفه قلب و نفس قرآن خوان است او مأمور شده مادامی که مشغول تلاوت است این حقیقت یعنی استعاذه به خدا را در دل خود بیابد نه اینکه با زبان بگوید: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» و این استعاذه زبانی و امثال آن سبب و مقدمه برای ایجاد آن حالت نفسانی است نه اینکه خودش استعاذه بگوید. (علامه طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۲ / ۴۹۴)

چندین نمونه از پناهنده شدن به خداوند سبحان در قرآن مجید بیان شده است که برخی عبارت‌اند از: «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يُخْضِرُونِ؛ (مؤمنون / ۹۷ و ۹۸) بگو: خدایا! از وسوسه شیاطین به تو پناه می‌برم و از اینکه شیاطین نزد من حاضر شوند و در من تأثیرگذارند نیز به تو پناه می‌برم». «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» (فلق / ۱) «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ». (ناس / ۱)

براساس آیات فوق، از طرفی به جهت وجود شیاطین در نظام تکوین و قدرت نفوذ آنان در دل انسان‌ها، و از طرف دیگر، به جهت دشمنی آشکار آنان و تلاش در جهت گمراه کردن بشر، پناه بردن به خداوند در مسیر ناهموار زندگی و توکل به او بر ما فرض شده است؛ تا آنجا که در زیباترین عبادت‌مان - تلاوت قرآن که سخن خداست - نیز، نباید از شر این دشمن قسم‌خورده، غفلت کرد.

۷. عدم دسترسی به اساتید شایسته

حضور الگوهای شایسته فراروی جوانان، در انس آنان با قرآن و معارف دینی بسیار تأثیرگذار است و قرآن کریم به عنصر الگوهای شایسته توجه نموده است، اما در محیط‌های علمی دانشگاهی، حضور اساتید درآشنا و متخلق به اخلاق اسلامی و آشنا به معارف قرآنی بسیار محدود است. دانشجوی جوان که در دستیابی به سعادت و خوشبختی، به دنبال الگوی شایسته، مناسب و همدل در محیط دانشگاهی می‌گردد، از رسیدن به چنین الگویی ناامید است و صد البته که برخی اساتید، آن قدر ساعات حضورشان با کلاس‌های متعدد اشباع شده است که فرصت کافی برای پاسخ‌گویی به اندک سئوالات دانشجویان را ندارند، چه رسد به راهنمایی لازم برای درک درست دین و فهم درست قرآن، و بالاخره انس با آن.

ج) راهکارهای تقویت انس با قرآن

این نوشتار درصدد ارائه راهکارهای عملی در جهت بهره‌مندی هرچه بیشتر جوانان دانشجو از قرآن بوده، در این نگارش بر گرایش و گروه، بینش و نگرش و روش و منش تأکید فراوان دارد.

۱. گرایش و گروه (دل)

۲. بینش و نگرش (عقل)

۳. روش و منش

یک. حوزه گرایش و گروه (دل)

قلب جوانان، قلبی آماده برای بهره‌مندی از نورانیت قرآن بوده، در طول تاریخ و در عصر حاضر از مؤلفه‌های تأثیرگذار در حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی‌اند؛ از این رو، تأثیرگذاری بر قلب و روح جوانان دانشجو در مسیر ارزش‌های دینی و معنوی، مخصوصاً تأثیرپذیری از قرآن ضروری است که در این مقام به صورت اجمالی به آن اشاره می‌نماییم.

۱. برگزاری جلسات قرآنی

آمارها بیانگر حساسیت بالای دانشجویان دانشگاه‌ها نسبت به مسائل دینی و نگرش آنان به

واجبات دینی‌ای چون نماز است که بیش از ۹۱ درصد از آنان مقید به اقامه آن‌اند. (منتظری، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۰۹) و نیز براساس آمار ارائه‌شده از مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران ۳۵ درصد از دانشجویان به لحاظ اعتقادی گرایش بسیار زیادی به نماز دارند و گرایش ۴۹ درصد از آنان به نماز نیز، زیاد است. به بیان دیگر ۸۴ درصد از دانشجویان از نظر اعتقادی گرایش بالایی به نماز دارند و گرایش چهارده درصد آنان متوسط و تنها هشت درصد گرایش پایین. (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۸۲) این آمار معنادار بیانگر پایبندی دانشجویان نسبت به مفاهیم دینی است. اما نمی‌توان براساس این آمار امیدوار بود که این درصد بالا از دانشجویان، با قرآن انس داشته و مقیداند روزانه آیاتی از قرآن را از رو بخوانند و یا به تفاسیر مراجعه نمایند و یا از جلسات قرآنی بهره‌مند باشند. اگرچه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها تلاش دارد تا جلسات تفسیر را در میان دانشجویان به گونه‌ای راه‌اندازی و رهبری نماید، این نهال روزهای آغازین حیات خود را تجربه می‌کند و نیازمند برنامه‌ریزی، حمایت بیشتر، معرفی اساتید آگاه و دلسوز و نیز، مدیریتی آشنا به محیط‌های دانشجویی و استمرار در برنامه‌هاست که امید است به حرکت خود با نشاط، انرژی و شتاب بیشتر ادامه دهد. نشست‌های قرآنی و تلاوت آیات با صوتی خوش و ارائه مفاهیم دقیق و مناسب دانشجویان، یکی از راهکارهای گروه جوانان به قرآن است. در این نشست‌ها دانشجویان با زیبایی‌های ظاهری و معارف قرآن آشنا می‌شوند. اگرچه ممکن است این جلسات در سیراب نمودن روح تشنه آنها، موفق نباشد، یکی از راه‌های انس با قرآن حضور در این محافل نورانی است و مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها می‌توانند با دعوت از قاریان برجسته کشوری و بین‌المللی و نیز حافظان قرآن، زمینه‌آشنایی بیشتر جوانان با قرآن را فراهم نمایند. این راهکار با اخلاص قاریان و بنیان جلسات می‌تواند رونق بیشتری یابد.

۲. برگزاری مسابقات منظم قرآن در دانشگاه‌ها

یکی از تأثیرگذارترین عنصر در میان جوانان در ترغیب به انس بیشتر با قرآن، برگزاری منظم مسابقات قرآن در میان دانشجویان است. برگزاری منظم و هدفمند مسابقات قرآن در دانشگاه‌ها، با نظارت دقیق مسئولان می‌تواند زمینه‌ساز انس بیشتر جوانان با قرآن باشد.

۳. فعال نمودن کانون‌های قرآن

مسئولیت دادن به دانشجویان در امور فرهنگی، موجب رشد فضای فرهنگی می‌شود اما باید به خاطر داشت که رهبری فرهنگی را نباید به‌دست دانشجویان سپرد. امروزه یکی از مشکلات مجموعه‌های فرهنگی این است که میان رهبری فرهنگی و همراهی فرهنگی تفاوت و فاصله‌ای ایجاد نشده است، رهبری فرهنگی را باید مجموعه‌ای توانا و از کارشناسانی موفق و باتجربه بر عهده داشته باشند تا از بازوان قرآنی خود در کانون‌های قرآنی در دانشگاه‌ها برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف درازمدت بهره‌گیرند. اما در این راه برای رسیدن به نقطه مطلوب باید با مجموعه‌های زیردست با مدارا و همراهی رفتار نمایند. آشفستگی در مدیریت کانون‌های قرآن در دانشگاه‌ها و بی‌برنامه بودن آنها در اغلب اوقات، و عدم تبلیغ شایسته، موجب عدم انس با قرآن می‌گردد، اما حقیقت این است که اگر تبلیغ مناسب و برنامه‌ریزی دقیق از سوی دست‌اندرکاران صورت پذیرد، می‌تواند به انس بیشتر با قرآن منجر شود. نکته درخور توجه اینکه تعدد مسئولیت‌ها برای دست‌اندرکاران و متولیان، خود، مانعی بر سر راه برنامه‌ریزی جهت انس بیشتر دانشجویان با قرآن است.

کانون‌های قرآن می‌توانند در راه ترویج و نشر فرهنگ قرآنی و تقویت انس با قرآن در میان دانشجویان بسیار موفق باشند، این مجموعه با ساماندهی درست در راستای ایجاد گروه‌های حفظ قرآن، تفسیر و نوشتن مقالات قرآنی، می‌تواند انگیزه‌ساز باشد و با برنامه‌های متنوع دانشجویی، مانند جلسات تفسیر و قرائت، پرسش و پاسخ و ارائه نرم‌افزارهای قرآنی، حرکتی سازنده و گسترده را در این زمینه مدیریت نماید. لازمه فعالیت درست این مجموعه‌ها ایجاد شورای عالی قرآن و ستاد تفسیر نیست که بعضاً سالی یک بار گرد هم جمع می‌شوند و اعضای آن هم همدیگر را نمی‌شناسند؛ بلکه شناخت و حمایت از دلسوزانی است که از سر آگاهی و شفقت و احساس مسئولیت در نشر فرهنگ قرآنی تلاش می‌کنند.

۴. ارائه ترجمه‌های زیبا و دقیق

از دیگر روش‌های گرایش دانشجویان به قرآن، ارائه ترجمه‌های دقیق و زیبا از قرآن است که با خواندن آن، دانشجو به فهم معارف قرآن دست یافته، از نکات کلیدی آیات بهره‌مند شود. لازم

است، این ترجمه ازسوی جمعی از کارشناسان و قرآن‌پژوهان تهیه شود و نکته‌های دقیق و عمیق تربیتی و معارف غنی آن به گونه‌ای مختصر و رسا بیان گردد تا ضمن حفظ جاذبه‌های ادبی آن بر مفاهیم بلند آن نیز، تأکید شود. اگرچه این امر بعد از انقلاب اسلامی رشد درخور توجهی داشته و آثار مبارکی در این حوزه ارائه شده است، جواب‌گوی عمق نیاز جوانان به‌ویژه دانشجویان نیست.

۵. بیان داستان‌های قرآن با آفرینش‌های هنری

از آنجاکه داستان‌های قرآنی و آموزه‌های برآمده از آن را می‌توان با ادبیات مناسب و زیبایی شیوا به‌صورت‌های هنری خاص در دسترس دانشجویان قرار داد، هنرمندان و اندیشمندان متعهد می‌توانند در دنیای پیچیده امروز نقشی کلیدی در راه تقویت انس با قرآن ایفا نمایند؛ چراکه اثرات آثار هنرمندانه می‌تواند موجب گرایش بیشتر به قرآن شود. رشد آفرینش آثار هنری در میان دانشجویان شایان توجه بوده، نیاز است که افزایش بیشتری داشته باشد.

۶. ارائه الگوهای مناسب از قرآن

ارائه الگوهای مناسب از قرآن و نیز تفسیرپژوهان و متخلقان به اخلاق قرآنی که چهره‌های موفق بوده، در به‌کارگیری معارف قرآن توفیق بیشتری کسب نموده‌اند، یکی دیگر از مؤلفه‌های گرایش نسل جوان به قرآن است. ارائه الگوهای محبوب در جامعه دانشگاهی، دانشجویان را به‌سوی آنان سوق می‌دهد و ویژگی‌های اخلاقی آنان، دیگران را به الگوبرداری از آنان می‌کشاند. آلبرت بندورا، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان را یادگیری مشاهده‌ای می‌داند که همان تقلید رفتار از الگوی مناسب است. (سیف، ۱۳۶۸: ۳۱۴) افزون بر الگوهای زنده که زمینه تربیت دینی مناسب را ایجاد می‌نمایند، ترسیم چهره دقیق و کاربردی، و درعین‌حال، محبوب و دوست‌داشتنی اسوه‌ها برای دانشجویان می‌تواند خلأ الگوهای مناسب را پر کرده، به‌تدریج با آنان همانندسازی کنند. (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۱۶۴) نکته شایان توجه اینکه عدم ارائه الگوهای محبوب قرآنی، این ذهنیت را ایجاد می‌نماید که الگوهای مناسب زندگی را نمی‌توان از منابع دینی به‌دست آورد و یا دین در تربیت چهره‌های موفق ناکارآمد است که هر دو مورد به‌گریز دانشجویان از تربیت قرآنی و عدم انس با قرآن منجر خواهد شد.

۷. هم‌نشینی با قرآن شناسان و قرآن پژوهان

یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تقویت انس با قرآن برای دانشجویان، هم‌نشینی با قرآن پژوهان و قرآن‌شناسان است. از آنجاکه قرآن نور است و حاملان وارسته و آشنا به قرآن از این نور بهره‌منداند، هم‌نشینی با این گروه، خود، بر انس با قرآن و رابطه بهتر با خداوند تأثیر دارد. به تعبیر زیبای پیامبر اکرم ﷺ «حمله القرآن عرفاء اهل الجنة» (کلینی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۰۶) هم‌نشینی و معاشرت با افراد صالح و قرآن‌شناس، زمینه رسوخ ملکات اخلاقی در قشر جوان را ایجاد می‌نماید. روایات متعدد و آیات قرآنی نیز، بر تأثیر هم‌نشینی و دوستی در شخصیت انسان تأکید کرده‌اند که ژرف‌نگری و خردورزی از اثرات این هم‌نشینی است. «با دانشمندان هم‌نشینی کنید که بر دانشتان می‌افزاید و ادب تو را نیکو می‌کند و نفس تو را تزکیه می‌نماید و رشد می‌دهد». (غررالحکم، بی‌تا: ۴۳۰) و یا «حواریون از حضرت عیسی ﷺ پرسیدند: با چه کسانی مجالست نماییم؟ حضرت در پاسخ فرمود: کسی که دیدارش شما را به یاد خداوند بیندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و رفتارش شما را به آخرت ترغیب نماید». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷ / ۱۴۷) به لحاظ روان‌شناختی نیز، ادله فراوانی این هم‌نشینی را تأیید می‌کند؛ الگوگیری و تقلید آگاهانه و مشاهده اعمال دیگران (نظریه باندورا)، ایجاد تداعی و شرطی‌سازی با وجود تقویت‌کننده‌ها (نظریه شرطی‌سازی کنشگر اسکینر) و نظریه تسهیل اجتماعی (هیلمگارد، بی‌تا: ۲ / ۳۷۲)، موجب می‌شود تا فرد تحت تأثیر شخصیت الگوی خود، بر انجام رفتار درست تشویق شود. و این حضور در گروه صالحان او را به سوی رفتاری شایسته سوق داده، موجب نهادینه شدن و گسترش مطالعات قرآنی و عمل به آموزه‌های دینی و ایجاد علاقه و انگیزه لازم برای تعالی در نهاد او می‌شود.

موارد فوق، اجمالی از زمینه‌های گرایش و گروه دانشجویان در انس با ظاهر قرآن بود. و برای ایجاد انگیزه لازم و نفوذ در قلب و جان دانشجویان باید از راه‌های عاطفی استفاده کرد.

دو. حوزه بینش و نگرش (عقل)

اعتقاد مسلمانان بر آن است که قرآن، کتابی وحیانی و جاودانه است و در طول تاریخ از گزند

تحریف، آسیب و تردید به دور بوده، کسی را یارای آن نیست که بر ساحت قدسی آن، گرد تردید بنشاند. کتابی که به تنها معجزه جاودانه پیامبران، نام‌بردار است، کمتر در حوزه‌های کاربردی زندگی به کار گرفته شده است. افزون بر این، مسلمانان، کمتر نگاهی درس‌آموز به آن داشته، بیشتر نگاهی پاداش‌محور بر آن نموده‌اند؛ لیکن نهضت‌های اجتماعی معاصر، به‌ویژه اقبال مجدد مسلمانان به تأثیر قرآن در عرصه زندگی، بیانگر توان بهره‌مندی بیشتر از این کتاب مقدس در حرکت‌های اجتماعی بوده، می‌توان با اندیشه‌ای عمیق و دقیق، عناصر تأثیرگذار آن را یافت و اندیشمندان مسلمان را گرد آن فرا آورد. انگاره‌های اندیشمندان مسلمان در نقش قرآن می‌تواند رازگشای بسیاری از مباحثی باشد که امروزه جوامع اسلامی با آن دست‌به‌گریبان‌اند و ممکن است یکی از مهم‌ترین علل عقب‌ماندگی جامعه اسلامی باشد. در این بخش، به‌اجمال به راهکارهای تقویت انس با باطن قرآن در حوزه بینش و نگرش می‌پردازیم؛ امید است تا با عمق‌دهی به برخی موارد، شاهد حضور قرآن در سفره دل و جان دین‌باوران باشیم.

۱. اصلاح نگرش نسبت به قرآن در پاسخ‌گویی به شبهات

تبیین کارآمدی قرآن در حل مشکلات و پاسخ‌گویی به شبهات، یکی از عناصر کلیدی در انس با قرآن است. از آنجاکه قرآن کریم خود را تبیان و روشنگر هر چیز معرفی می‌نماید، «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ؛ (نحل / ۸۹) ... و کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که روشنگر همه چیز است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت است» نمی‌توان باور داشت که رازگشای اسرار خود نبوده، پاسخ‌گوی شبهات درباره معارف برآمده از خود نباشد. عصر حاضر که به عصر بحران معنویت و بحران اخلاقی انسان‌ها نام گرفته است، نیازمند مراجعه عالمانه و خردورزانه به آموزه‌هایی است که برآمده از تثبیت و درون‌سازی قواعد اخلاقی است و این مهم بدون پرورش عقلانیت و تکیه بر معارف وحیانی ممکن نخواهد بود؛ ازسویی روان‌شناسی در مکاتب بشری، رفتارشناسی بشمار می‌رود تا روان‌شناسی؛ و یکی از بزرگ‌ترین مشکلات روان‌شناسی نوین غربی، با همه کامیابی‌ها و پیشرفت‌های نظری و کاربردی آن، کنار نهادن و به حاشیه راندن موضوع اصلی این علم یعنی «روان» است. (نجاتی، ۱۳۸۵: ۲۰)

قرآن کریم داروی دردهای درونی انسان‌هاست^۱ (صبحی صالح، بی‌تا: خ ۱۹۳) و پرهیزکاران، داروی درد خویش را از آن می‌گیرند. پس می‌توان در شبهات و پرسش‌های پیش‌رو از محضر قرآن، پاسخ‌های روشن‌گرانه شنید. و به‌تعبیر شهید صدر «با ظهور دیدگاه‌های متفاوتی که در برخورد بین اسلام و غرب پدید آمده است و با تکیه بر سرمایه‌های اندیشه‌ای که در اسلام و قرآن در زمینه شناخت انسان و مشکلات پیش‌رو وجود دارد، می‌توان به بهترین روش در زمینه‌های مختلف، از قرآن پاسخ پرسش‌های بشر امروز را به‌دست آورد». (صدر، بی‌تا: ۳۷ - ۳۳) اگر دانشجوی مسلمان پاسخ پرسش‌ها و شبهات خود را در محضر قرآن بیابد، به بسیاری از کتاب‌های ترجمه‌ای - که پاره‌ای از آنها بر درد می‌افزاید - مراجعه نمی‌کند و به آیین و کتاب مقدسش افتخار کرده، با آن چنان مأنوس می‌شود که تعالیم آن در گوشت و پوست و استخوان وی می‌آمیزد. به بیان نورانی امام صادق علیه السلام: «هر که در جوانی با ایمان، قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونسش بیامیزد و خدای عزوجل او را با سفره کرام نیکوکار همراه گرداند و قرآن در روز قیامت مانع او از دوزخ گردد». (کلینی، ۱۳۷۲: ۶ / ۳۹۹)

۲. ژرف‌اندیشی در مطالعات قرآنی

دعوت قرآن کریم به ژرف‌اندیشی (یوسف / ۱۰۵) و نهی از تقلید و پیروی کورکورانه از گذشتگان یا اکثریت، (انعام / ۱۱۶؛ زخرف / ۲۴ - ۲۲) و سرزنش کسانی که بدون دلیل چیزی را می‌پذیرند، (زخرف / ۲۰؛ انعام / ۱۱۶) و به‌کار بردن واژگانی چون تفکر، تدبر، لب، حکمت و علم و واژگان متضاد آن، بیانگر جایگاه ارجمند ژرف‌نگری و اندیشه در دیدگاه قرآنی است؛ از این‌رو، نسل اندیشمند جامعه - دانشجویان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها - باید با پرهیز از سطحی‌نگری و قشری‌گرایی، به ژرفای آیات قرآنی راه یابند و تصورات ذهنی خود یا دیگران را نسبت به افعال اخلاقی و رفتارها تصحیح نموده، به باطن و حقیقت آیات دست یابند.

۱. و درمان دردهای جانیشان را از آن می‌جویند.

۳. اصلاح ساختاری آموزش قرآن در نظام آموزشی کشور

ساختار آموزش قرآن کریم از دیرباز در کشور ما، روخوانی محور بود و مکتب‌خانه‌ها و مدارس، بیشترین تلاش را بر روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم بنا نهاده، و در این راه سبک‌های جدید و موفق‌تری هم ارائه کرده‌اند؛ اما آیا نهایت صحیح خوانی قرآن، تربیت و پرورش انسان‌هایی است که آموزه‌های دینی را به نیکی به کار بندند؟ آیا ثمره سال‌ها آموزش قرآن و تعلیم دینی در مدارس کشور، تأثیری در رشد معنوی دانش‌آموزان و نوجوانان دارد؟ و آیا می‌توان بعد از آموزش تغییری را در رفتار و انگیزه‌ها و اندیشه نوجوانان و جوانان مشاهده کرد؟ آیا نیاز نیست، اسلامی شدن دانشگاه‌ها را با تغییر در ساختار آموزش مدارس و دانش‌آموزان ارزیابی و بررسی کرد؟

با بررسی و ارزیابی دقیق دروس، محتوا و روش تدریس کتاب‌های قرآن در ساختار آموزش و پرورش کشور و مشاهده و سنجش فارغ‌التحصیلان این نظام آموزشی، این نکته مهم به دست می‌آید که یا کاستی در محتوای کتاب‌ها مانع از دستیابی به فرآیند درستی در آموزش قرآن است و یا روش انتقال مفاهیم و تدریس، روشی کارآمد و نتیجه‌محور با بازده بالا نبوده و یا معلمان و اساتید به دلیل نداشتن زبان و رفتار دل‌نشین، نزد دانش‌آموزان و دانشجویان مقبولیت ندارند. تصحیح همه این امور، می‌تواند زمینه‌ساز توفیق در تقویت انس بیشتر دانشجویان با قرآن باشد.

۴. به‌گزینی در مباحث تفاسیر موضوعی دانشگاه‌ها

بی‌تردید برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور جهت آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با مبادی و مبانی دینی و بهره‌گیری هرچه بیشتر از منابع معتبر و مقدس، ارائه درس تفسیر موضوعی قرآن و یا نهج‌البلاغه را الزامی کرده‌اند. اما آیا مناسب نیست که دست‌اندرکاران تهیه و تدوین کتاب‌های تفسیر موضوعی به امر موضوعات نوین، کاربردی و مورد نیاز دانشجویان متناسب با سطح علمی و رشته‌ها توجه شایسته نمایند و پاسخ‌گویی به بسیاری از پرسش‌های این قشر بزرگ پرسشگر را وجهه همت خویش سازند؟ آیا تکراری بودن مباحث تفسیر موضوعی با مباحث اندیشه اسلامی و مباحث دوره دبیرستانی - به گونه‌ای که بسیاری از دانشجویان

محترم از مطالعه آن لذت نمی‌برند و احساس خستگی و بی‌نیازی دارند - از انس آنان با این کتاب مقدس نمی‌کاهد و این ذهنیت را پدید نمی‌آورد که تمام مباحثی که می‌توان آموخت در همین چند موضوع محدود است؟ تکرار مباحث خداشناسی، معادشناسی، پیامبرشناسی، و مباحث تکراری در کتاب‌های ارائه شده، اگرچه از زاویه‌ای مفید است، آفت تکرار و بی‌رغبتی و کهنگی را با خود به همراه خواهد داشت. (برخی کتاب‌های ارائه شده جهت تدریس تفسیر موضوعی را می‌توان نام برد)

ذائقه جوانان با مباحث جدید، شیرین‌تر و کامیاب‌تر پیوند خورده است و اگر این احساس در میان آنان با همت اساتید گران‌قدر پدید آید که قرآن و یا نهج‌البلاغه می‌تواند در برابر بسیاری از شبهات یا نیازهای امروز دنیا سخن تازه و شنیدنی داشته باشد به آن اقبال خواهند نمود. از این‌رو، برای تقویت انس با قرآن در دانشجویان، می‌توان به نیازشناسی و تلاش برای پاسخ‌گویی به آن نیازها کوشید و موضوعات مهم سیاسی و اقتصادی، به‌ویژه تربیتی و خانوادگی، و نیز، مسائل روحی را ارائه نمود تا هم راهکاری برای استفاده بهتر و بیشتر از قرآن فراهم شود و هم دانشجویان با روش‌های تحقیق موضوعی آشنا شوند. در این صورت، می‌توان بعد از مدتی، تعداد انبوهی از دانش‌آموختگان این مرز و بوم را بهره‌مند از محضر تعالیم قرآنی و دینی یافت.

۵. ارائه موضوعات مناسب جهت تحقیق دانشجویی در دروس تفسیر موضوعی

یکی از مسائل مهم در تدریس دروس تفسیر موضوعی قرآن و یا نهج‌البلاغه، ارائه تحقیق دانشجویی با موضوعات مورد علاقه دانشجویان با هدایت و حمایت فکری اساتید گرامی است. امروزه دستیابی دانشجویان به کتابخانه‌ها و نیز سایت‌های دینی به حدی است که زمینه مطالعه و تحقیق برایشان فراهم است و بسیاری از دانشجویان در برابر اختصاص بخشی از نمره دروس به تحقیق، اقبال فراوانی به تحقیق دارند اما رونویسی از نوشته‌های دیگران یا نگارش مقاله توسط دیگران موجب می‌شود، اساتید محترم از ارائه تحقیق استقبال نکرده، آن را راهی برای سرقت علمی بدانند؛ اما اگر اساتید محترم، وقت کافی برای ارتباط با دانشجویان داشته باشند و برای تحقیق موضوعاتی ارائه نمایند که خود، کتاب‌ها و منابع آن

را برای تحقیق به دانشجو معرفی نمایند و پیگیر روند تحقیق باشند، و بهترین نوشته‌ها را در کلاس ارائه نمایند، هم دانشجو احساس ارزشمندی خواهد داشت، و هم موضوعات دقیق و مورد نیاز، مورد پژوهش قرار خواهند گرفت.

۶. تبیین انگاره‌های درمان با قرآن و تأثیر آن بر شخصیت بزرگان

یکی دیگر از مسائل مهمی که موجب تعمیق بینش و نگرش و تقویت انس با قرآن در دانشجویان می‌شود، آشنایی دانشجویان با انگاره‌های درمان با قرآن، و بهره‌مندی از آن در راه خودسازی و تربیت خویش است. بدون شک بسیاری از آموزه‌های دینی بر تأثیر امور معنوی در مسائل مادی و فیزیکی تأکید کرده‌اند؛ اما بسیاری از مردم از چگونگی و سازکار آن بی‌خبراند؛ چراکه نحوه تأثیرگذاری آن استدلالی و نموداری نشده است. اگرچه ممکن است بسیاری از روایاتی که بر ایجاد آرامش و شفابخش بودن برخی آیات (کلینی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۵۵) و یا بر افزایش نعمت‌ها و ... دلالت دارند، برای دانشجویان، امری نادرست و کهنه جلوه نمایند و با آموزه‌های عصر مدرنیسم و پست‌مدرنیسم سازگار نباشند، با ارائه شواهدی بر حقانیت بسیاری از آموزه‌ها که تأثیر فرا ماده بر ماده را ثابت می‌کنند، می‌تواند ایمان به غیب را در آنان بارور ساخت. داستان کربلایی کاظم ساروقی یکی از نمونه‌های جالب و تأثیرگذار عصر ماست.

سه. روش و منش

انس با قرآن همانند انس با نماز، تأثیری عینی بر رفتار و شخصیت افراد داشته، نمی‌توان مدعی شد که کسی با قرآن انس دارد اما رفتار و منش وی، متفاوت از آموزه‌های قرآن است. شاید چنین انسانی، بر آیات تسلط ظاهری داشته باشد و قرآن را از بر بخواند اما این دلیل بر انس با قرآن به معنای کامل نیست؛ بلکه ابتدایی‌ترین زمینه‌های انس با قرآن است. همچنان که انس با نماز، انسان را از بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد و از درافتادن به دام شیطان و هواهای نفسانی و وساوس شیطانی حفظ می‌کند، انس با قرآن نیز، انسان را از گرفتار شدن به منش ناصواب باز می‌دارد و موجب قرب الهی و پرهیز از گناهان کبیره و صغیره می‌شود. کسی که با قرآن انس می‌یابد، همانند ورزشکاری می‌شود که تلاش بی‌وقفه او در راه ورزش،

بر ظاهر جسم وی تأثیر گذاشته است و بعد از تمرین و ممارست، متفاوت از گذشته شده، نتیجه آن در رفتار و بازی وی نمایان است. پس اگر کسی با قرآن انس یابد، روش و منش قرآنی وی، در همه کارها نمودار خواهد بود.

بی‌تردید راهیابی به باطن قرآن مسبوق به انس با ظاهر آن است، آنگاه که انسان مونس تاریکی شب‌هایش و طلوع سحرگاهانش تلاوت آیات قرآن و زمزمه کلام وحی باشد، از فراق نالان می‌شود و همیشه آرزوی پرواز در ملکوت دارد؛ چراکه از حرمان و فقدان تا رسیدن به سرچشمه هستی با انس با قرآن کریم میسر است. ایجاد چنین انسی نیازمند زمینه‌هایی است که عبارت‌اند از:

۱. نظارت بر رعایت تقوای الهی

روش نظارت بر رعایت تقوای الهی، یعنی تلاش برای مراقبت کامل نسبت به ارزش‌های اخلاقی که موجب رشد و تعالی شخصیت فرد می‌شود؛ و ممانعت از اموری که موجب سستی و نابودی فضیلت‌های اخلاقی می‌گردند. دانشجوی جوانی که برای تقویت انس با قرآن تلاش می‌کند، نیازمند نظارت دقیق و همیشگی بر انگیزه، اندیشه و رفتار خود و رعایت تقوای الهی است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُنْتُمْ لَهُمْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمْتُمْ لِعَدِّهِمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (حشر / ۱۸)

ای مؤمنان از خدا پروا کنید و هرکس بنگرد که برای فردا چه پیش‌اندیشی کرده است و از خداوند پروا کنید چراکه خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

این نظارت با تکیه بر دستورهای عالمان دینی و عارفان بر مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاقبه استوار باشد. تقویت عناصری که موجب انس با قرآن و قرب با خداوند می‌شود و کاستن و نابود کردن هر آنچه مانع رعایت تقوای الهی است، بر ایجاد و تصحیح شخصیت قرآنی و انس بیشتر با قرآن مؤثر است.

۲. تدبر در آیات قرآن

در آسمان گسترده و حیرت‌انگیز قرآن کریم، هر آیه، دریچه‌ای به دنیایی وسیع و پر رمز و راز

است. در جای‌جای این کتاب بزرگ رازهای بسیاری نهفته است که با تدبر و تأمل و طهارت باطن می‌توان به کشف آن اسرار پرداخت و جوانی و دانشجویی، زمینه بسیار مناسبی است تا با بهره‌مندی از روح حقیقت‌جویی و مدد هدایت الهی، ره به سرمنزل مقصود برد.

خداوند از مؤمنان خواسته است در جهت فهم دقیق و عمیق قرآن و رسیدن به فهم باطن آیات بکوشند؛ خداوند زمینه فهم قرآن را در انسان‌های مؤمن نهاده و کسانی را که در قرآن تدبر نمی‌کنند سرزنش کرده است. «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد / ۲۴) برای تدبر در آیات قرآن کریم، دانشجویان می‌توانند زمینه‌های تأثیرپذیری را از علاقه‌های خود در حوزه‌های مطالعاتی آغاز نمایند و در همان راستا، به ژرف‌نگری و تعمیق دانش خود بپردازند؛ داستان‌های قرآن کریم، افزون بر دانش‌افزایی و پرورش عقلانیت و ایجاد انگیزه در عمل به خوبی‌ها، بر تربیت اخلاقی انسان‌ها تأکید کرده‌اند. تلاش برای پی بردن به راز و رمز داستان‌ها و به‌کارگیری آن در زندگی، در موارد مشابه، می‌تواند موجب رشد شخصیت انسان شود. راه بردن به نهان‌خانه فهم درست و دقیق آیات برای کسانی میسر خواهد بود که به طهارت قلبی دست‌یافته، و در پاک‌سازی نهاد خویش، سختی‌ها را بر خود هموار نموده باشند. این رابطه‌ای دوسویه و متقابل است که با اصلاح درون، زمینه فهم بیشتر قرآن فراهم می‌شود و تدبر در آیات و درک درست و اندیشه ژرف موجب اصلاح درون و نورانیت دل خواهد شد. از این‌رو، دانشجویان برای رسیدن به انس با قرآن، نیازمند تدبر در آیات، جهاد با نفس و طهارت دل‌اند.

نتیجه

بی‌تردید نگارش درباره راهکارهای تقویت انس با قرآن برای دانشجویان، مستلزم پژوهش‌های گسترده، جدی و تلاش بی‌وقفه و پردامنه است.

انس با قرآن دارای مراتبی است که انسان با ایمان به اندازه طهارت باطن خویش، می‌تواند از خرمن فهم آن بهره‌مند گردد؛ اگرچه، فهم کامل آن و پی‌بردن به حقیقت قرآن تنها برای پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

انس با قرآن دوگونه است: انس با ظاهر قرآن؛ و انس با باطن آن، که انس با باطن قرآن و رسیدن به مقام عمل به آیات و درک حقایق قرآنی مقصد اولیاست. از آنجاکه انس با قرآن، موجب ایجاد انگیزه، شناخت و عمل دیندارانه شده، فرد دیندار در مقابل شبهات کمتر آسیب‌پذیر است، تقویت زمینه‌های انس با قرآن در انگیزه، اندیشه و رفتار دانشجویان ضروری است.

همه نهادهای علمی از حوزه و دانشگاه و آموزش و پرورش و شخصیت‌های علمی و فرهنگی برای ایجاد زمینه‌های آموزش درست و دقیق قرآن و معارف دینی و برطرف کردن موانع انس با قرآن مسئول‌اند و در این راه، عالمان دینی و اساتید قرآن‌پژوه و مفسر بیشترین مسئولیت را دارند. با توجه به نگرانی دانشجویان نسبت به آینده و گرفتاری‌های شغلی و اجتماعی و مسائل عاطفی و ترس از ناکامی و نیز نگرانی از گناهان و لغزش‌هایی که بعضاً مرتکب شده‌اند؛ به‌کارگیری راهکارها در حوزه گرایش و گروه، حوزه بینش و نگرش و بالاخره روش و منش به همراه اساتیدی موفق، مسئولیت‌پذیر و دلسوز می‌تواند موجب تبیین درست معارف قرآنی و تقویت انس با قرآن شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجان، مسعود و احمد دیلمی، ۱۳۸۲، *اخلاق اسلامی*، قم، معارف، چ هجدهم.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، بی‌تا، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن فارس، ۱۴۱۸ ق، *معجم مقاییس اللغه*، بیروت، دار الفکر، چ دوم.
۵. حافظ، شمس‌الدین محمد، ۱۳۶۱، *دیوان حافظ*، تهران، جاویدان، چ چهارم.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چ دوم.
۷. الذهبی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۹ ق، *التفسیر و المفسرون*، قاهره، دار الکتب الحدیثه، چ دوم.

۸. زرکشی بدرالدین، ۱۳۹۱ ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
۹. سیف، علی اکبر، ۱۳۶۸، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران، آگاه.
۱۰. شجاعی، محمد، ۱۳۸۸، *مقالات*، تهران، سروش، چ هشتم.
۱۱. شریف رضی، بی تا، *نهج البلاغه*، صبحی صالح، قم، دارالهجره.
۱۲. الشعیری، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *جامع الاخبار*، قم، موسسه آل‌البیت.
۱۳. صدر، محمدباقر، ۱۴۲۴، *المدرسة القرآنیة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۳، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۷، *مفاتیح الجنان*، قم، امام همام، چ چهارم.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۲، *اصول کافی*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسوه، چ دوم.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چ دوم.
۱۸. مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۱، «سنجش گرایش به نماز در بین دانشجویان»، *کتاب نماز و دانشگاه*، جهاد دانشگاهی، تهران، ستاد اقامه نماز.
۱۹. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید.
۲۰. معلوف، لوئیس، ۱۳۶۶، *المنجد*، تهران، اسماعیلیان، چ چهارم.
۲۱. منتظری، علی، ۱۳۸۱، «نماز و دانشجو»، *کتاب نماز و دانشگاه*، تهران، ستاد اقامه نماز.
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (امام)، ۱۳۶۱، *صحیفه نور*، تهران، شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۲۳. _____، ۱۳۶۸، *چهل حدیث*، تهران، نشر رجاء.
۲۴. _____، ۱۳۷۱، *جلوه‌های رحمانی*، تهران، معاونت فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

۲۵. _____، ۱۳۷۳، *دیوان امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چ چهارم.
۲۶. _____، ۱۳۸۷، *آداب الصلوة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چ پانزدهم.
۲۷. مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۷۵، *مثنوی معنوی*، تهران، راستین، چ اول.
۲۸. نجاتی، محمد عثمان، ۱۳۸۵، *روان‌شناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان*، ترجمه سعید بهشتی، تهران، رشد.
۲۹. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۴ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۳۰. هیلگارد، ۱۳۶۹، *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران، تهران، رشد، چ چهارم.
۳۱. یدالله‌پور، بهروز، ۱۳۸۶، *پژوهشی در سند و محتوای زیارت عاشورا*، قم، معارف.